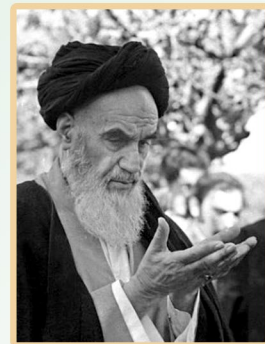


## سعادت دائمی [ امام خمینی، چهل حدیث، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۸، ص ۶ ]

اگر انسان عاقل، لحظه ای فکر کند، می فهمد که مقصود از این بساط چیز دیگر است. و منظور از این خلقت، عالم بالا و بزرگتری است. و این حیات حیوانی، مقصود بالذات نیست. و انسان عاقل باید در فکر خودش باشد و به حال بیچارگی خودش رحم کند و با خود خطاب کند: ای نفس شقی که سالهای دراز در پی شهوات، عمر خود را صرف کردی و چیزی جز حسرت نصیب نشد، خوب است قدری به حال خود رحم کنی. از مالک الملوک حیا کنی، و قدری در راه مقصود اصلی، قدم زنی، که آن موجب حیات همیشگی و سعادت دائمی است. و سعادت همیشگی را مفروش به شهوات چند روزه فانی، که آن هم به دست نمی آید، حتی با زحمتهای طاقت فرسا (نمایی).



## از دو چیز پرهیز کن!

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ فِي حَدِيثٍ قَالَ، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَإِيَّاكَ وَخَصْلَتَيْنِ الضَّجَرُ وَالْكَسَلُ فَإِنَّكَ إِنْ ضَجَرْتَ لَمْ تُصْبِرْ عَلَى حَقٍّ وَإِنْ كَسَلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقًّا. [امام صادق علیه السلام فرمودند:] از دو خصوصیت و خصلت پرهیز؛ کم‌حوصلگی و تنبلی؛ زیرا اگر کم‌حوصله شوی بر حق صبر نمی‌کنی، و اگر تنبل شوی حق را ادا نمی‌کنی. (الامالی شیخ صدوق، ص ۶۳۶)

«ضَجَر»، به معنای دلتنگ شدن و ملول شدن و بی‌حوصله شدن است. انسان یک وقتی از یک وضعیتی، از یک حادثه‌ای مثلاً -یا از وضع مزاجی خودش، یا از کاری که به عهده‌ی او هست- ملول می‌شود، دلتنگ می‌شود. می‌فرماید مراقب باش دچار این دلتنگی نشوی، دچار این ملالت نشوی، دچار این کم‌حوصلگی نشوی، این ضَجَر است. «کَسَل»، عبارت است از تنبلی؛ یک کاری را انسان تأخیر بیندازد به‌خاطر تنبلی؛ مطالعه‌ای دارد، کاری دارد، اشتغالی دارد، دنبال‌گیری‌ای دارد، تنبلی کند. می‌فرماید از این دو چیز پرهیز کن. [درباره‌ی] این مسئله‌ی ضَجَر که بی‌حوصلگی است، این را ما به شما جوانها عرض کنیم که یکی از بزرگ‌ترین نعم الهی برای انسانی که جوان هست، حوصله است. حالا این [چیزی] که ما -امثال بنده که وارد وادی پیری شدیم و مبالغی در این وادی پیش رفتیم- خوب درک می‌کنیم و جوانها درست توجه ندارند به این نعمت بزرگ.

... تنبلی هم همین‌جور [است]، تنبلی هم مثلاً [این که] فرض کنید صبح -حالا بعد از نماز- خواب رفته، گرفته خوابیده است؛ کار واجبی هم دارد، تنبلی می‌کند، بلند نمی‌شود. پهلوی زن و بچه‌اش نشسته است، تنبلی می‌کند؛ در یک جلسه‌ای نشسته است، تنبلی می‌کند؛ حرکت نمی‌کند، راه نمی‌رود. یعنی این دو خصوصیت، دو خصوصیتی است که یک انسان را از عمل، باز می‌دارد؛ از عمل صالح که عدل ایمان است؛ شما در قرآن ملاحظه می‌کنید عدل ایمان، عمل صالح است [باز می‌دارد]... بعد فرمود: «فَأَنَّكَ إِنْ ضَجَرْتَ لَمْ تُصْبِرْ عَلَى حَقٍّ» امام (علیه السلام) آن نقطه‌ی اساسی را مورد توجه قرار می‌دهند؛ می‌فرماید «ضَجَرْتَ» یعنی اگر بی‌حوصله شدی، بر حق صبر نمی‌کنی. .... بی‌حوصلگی خاصیتش این است که انسان بر حق که بایستی پایداری کند، پافشاری کند، بر سر حق بماند، انسان از این محروم می‌ماند. وقتی که [انسان] دچار ضَجَر و دچار همین حالت ملالت و حالت بی‌حوصلگی شد، بر حق پافشاری نمی‌کند. وقتی دچار «کَسَل» یعنی تنبلی شدی، آن وقت حق را ادا نمی‌کنی، آن کاری را که باید انجام بدهی، حق را که باید ادا بکنی، آن را ادا نمی‌کنی به‌خاطر تنبلی؛ به‌خاطر تن‌پروری و تنبلی.

[ شرح حدیث از مقام معظم رهبری حضرت آیت الله امام خامنه ای، برداشت از khamenei.ir ]

## در به در و سرگردان!

آیت ... ا. شیخ حسنعلی نخودکی رحمة الله علیه در باره صدق در عبادت می‌فرماید: «ای عزیز اگر در ایام نعبد راستگو شدی، به یقین که در ایام نستعین هم صادق. زیرا اگر کسی خدا را شناخت و به عنوان عبودیت او را سجده کرد، نمی‌تواند از دیگری استعانت جوید. اما اگر او را نشناخت و نتوانست او را سجده کند، در کارهای خود حیران و سرگردان می‌ماند و هر لحظه به جایی نگران است زیرا رسم است که بنده از مولای خود استعانت جوید. حال اگر انسان خدای خود را نشناخت و سجده اش به قلب نبود بلکه به صورت بود، همچون گدایان کوچه و بازار در به در و سرگردان خواهد بود.»

